

بدروود، پنج ضلعی خونین!

1-08-1608-16:17 P

مهر داد عاھری

سرشناسه	طاهری، مهرداد، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور	پدرو، ۵ ضلعی خویین// مؤلف مهرداد طاهری: به سفارش اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان آ. غربی، ستاد کنگره بزرگداشت دوازده هزار شهید استان آ. غربی، کتاب خویان، ارومیه: ستاد کنگره بزرگداشت دوازده هزار شهید استان آذربایجان غربی، کتاب خویان ۱۳۹۵.
مشخصات نشر	۳۶۰ ص: مصور (بخشی رنگی)، ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
مشخصات ظاهری	۱۶-۶-۷۹۲۱-۶۰۰-۹۷۸ :
شابک	
وضعیت فهرست نویسی	فیفا
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ — آذربایجان غربی — شهیدان
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ — خاطرات
موضوع	شهیدان — ایران — آذربایجان غربی
شناسه افزوده	اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس استان آذربایجان غربی
شناسه	ستاد کنگره بزرگداشت دوازده هزار شهید استان آذربایجان غربی، انتشارات کتاب خویان
رده بندی کنگره	۴۰۰۰۹ ب.۴/۵۲۲۵/۱۶۴۵ DSR
رده بندی دیویی	۹۵۵/۰ ۳۰۹۰
شماره کتابشناسی ملی	۴۱۰ ۶۹۲

1-08-1609-16:17 P

مهرداد طاهری

ناشر: کتاب خویان
ویراستار: سیاوش رحیمی
طراح جلد: امین عزتی
صفحه آرا: دنیا ناظمی
نوبت چاپ: یکم، بهار ۱۳۹۵
شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۹۲۱-۱۶-۶
قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال



نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست

۷.....	مقدمه
۹.....	فصل اول: وقتی که به واژه جنگ فکر میکنم
۱۷.....	فصل دوم: مادر چیزی نگفت... اشک شد
۲۵.....	فصل سوم: دیدی ای دل که من هم رفتم!
۳۹.....	فصل چهارم: آن روز رسید
۴۵.....	فصل پنجم: آتش را خون بر شانه های نمناک بهار، بود
۶۳.....	فصل ششم: تنها با یک چشم به خانه برگشتم
۷۳.....	فصل هفتم: ۵۳ روز بعد
۷۹.....	فصل هشتم: «کاسه گران» و «جمله با کوی درس» ای داد
۸۷.....	فصل نهم: ششام فوند دست
۹۷.....	فصل دهم: «خشم شب»
۱۰۳.....	فصل یازدهم: تمرچین زیبا
۱۰۹.....	فصل دوازدهم: «توجیه و شناسایی»
۱۱۷.....	فصل سیزدهم: سنگ های مفر «لاله حمزه»
۱۲۵.....	فصل چهاردهم: وقتی که ما را ندیدند!
۱۳۳.....	فصل پانزدهم: از بالای پنجوین تا رود «قرلجه عراق»
۱۳۹.....	فصل شانزدهم: کربلایی در کانی مانگاه و ارتفاع کله قندی
۱۵۱.....	فصل هفدهم: جایی که از پای در آمدم
۱۵۷.....	فصل هیجدهم: مرخصی، درس و بازگشت دوباره به جبهه
۱۶۳.....	فصل نوزدهم: تشکیل تیپ بیت المقدس

فصل بیستم: گاو موش های پاسگاه زید و کانال شماره ۶.....	۱۷۱
فصل بیست و یکم: تپ افیونی کردستان.....	۱۸۱
فصل بیست و دوم: روستای «نعل شکن» در کردستان.....	۱۸۷
فصل بیست و سوم: بمباران پادگان «ابوذر» در سر پل ذهاب.....	۱۹۵
فصل بیست و چهارم: انگشترم را قیچی نکنید.....	۲۰۳
فصل بیست و پنجم: غربت غریب غروب روزهای انتظار.....	۲۱۳
فصل بیست و ششم: عارف بازی در نیار.....	۲۲۳
فصل بیست و هفتم: فریادهای زخمی و اروندرود وحشی.....	۲۲۷
فصل بیست و هشتم: دیگر کار از کار گذشته بود.....	۲۳۳
فصل بیست و نهم: همه بی با هم تمام شد!؟.....	۲۴۷
فصل سی ام: چیزی از پشت تپ های شنی به.....	۲۵۵
فصل سی و یکم: شایدم پادگان را زود دلم.....	۲۶۱
فصل سی و دوم: شلمچه، ما داریم می آئیم!.....	۲۷۷
فصل سی و سوم: بدرود، پنج ضلعی خونی.....	۲۸۹
فصل سی و چهارم: توی یک شب برفی که.....	۳۱۹
فصل سی و پنجم: «خبر» هایی توی راه بود.....	۳۳۳
پیوست: تصاویر.....	۳۴۷

مقدمه

جنگ فارغ از همه پیامدهای آن، دشوارترین عرصه‌ی حضور بشر است که در آن تلخیِ دین و شادیِ پیروزی‌ها به صورتی عجیب در تاریخ و روح و روان یک ملتِ بدگرم می‌شود. هرگاه یک طرف جنگ، بنیادش برای دفاع بوده باشد از سرزمین، دین، آداب، مطاشفداکاری و جابجاری بخش جدا ناشدنی از این عرصه‌ی تاریخی است. وقتی که از جنگ فاصله می‌گیریم و به یاد می‌آوریم آن دوران را، می‌بینیم کسانی را که بی‌مزد و منت و با رغبت جسم و جانشان را به میدان جنگ بردند و آن سبک به آنها افتخار می‌کنیم.